

ستایش

ستایش (تحمیدیه): شاعران و نویسندگان از دیرباز آغاز کتابشان را با ذکر و یاد خدا و شکر و سپاس الهی شروع می کردند و به بر شمردن صفات باری تعالی می پرداختند که به آن تحمیدیه می گویند.

ای نام نکوی تو، سر دفتر دیوان ها
وی طلعت روی تو، زینت ده عنوان ها

تعداد جمله: ای خدایی / که نام نکوی تو سر دفتر دیوان ها است / وی خدایی / که طلعت روی تو زینت ده عنوان ها است / ۴ جمله

قسمت های قرمز رنگ از واژه های حذف شده هستند

معنی بیت: ای خدایی که نام خوبت سر آغاز هر گفته و نوشته ای است؛ و ای کسی که دیدار جمالت زینت بخشی هر کتابی است.

نکات: ای (حرف ندا) منادا (خدا حذف شده) – وی مخفف و ای (حرف ندا) منادا (خدا حذف شده)

معنی واژه: طلعت: رخسار و چهره / زینت ده: زیبا کننده / دیوان: کتاب شعر /

مستوره کردستانی (۱۲۲۰-۱۲۶۴ق) (مستوره اردلان)



بانوی عارف و شاعر ایرانی. نام وی ماه شرف و دختر ابوالحسن بیگ قادری و همسر خسروخان، والی کردستان، بود. خانواده اش معروف به «قادری» و پدرش از مقربین آن خاندان و از محترمین مردم کردستان بود. همسرش مردی عیاش بود و مستوره بعد از مرگ او، تا ۲۶۳ق در کردستان ماند و سپس، همراه عمو و سایر خویشاوندان خود، به شهر سلیمانیه عثمانی رفت و مدتی بعد در گذشت. **از مجموع اشعار مستوره**

که به سه زبان فارسی، کردی و عربی شعر می سروده فقط ۲ هزار بیت آن باقی مانده که در ۱۳۰۴ش به چاپ رسیده است. از آثار دیگر وی **تاریخ اردلان** به فارسی و **رساله ای در عقاید و شریعات و**

معجم الأدباء (سندج ۱۳۲۸ش) است. تخلص شعری وی «مستوره» و اشعارش در سبک عراقی و مدح اهل بیت (ع) و دارای مضامین عرفانی و اجتماعی بود.

جمله شماری

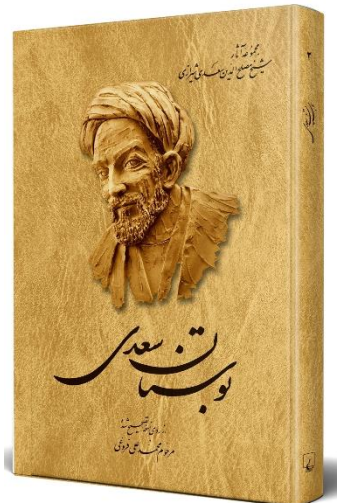
به نام خدایی که جان آفرید

۲ حکیم سخن در زبان آفرین /	۱ به نام خداوند جان آفرین /
۲ کریم خطا بخش پوزش پذیر /	۱ خداوند بختده دگرگیر /
۲ بنی آدم و مرغ و مور و کس /	۱ پرستار امرش همه چیز و کس /
۲ یکی را به خاک اندر آرد ز تخت /	۱ یکی را به سر، برهند تاج بخت /
۲ کروهی بر آتش برزد ز آب نیل /	۵ گلستان کند آتشی بر خلیل /
۲ بزرگان نهاده بزرگی ز سر /	۱ به درگاه لطف و بزرگیش بر /
۲ فرومانده از کنه ماحیش /	۱ جهان منتق بر الیش /
۲ بصر، منتهای جلال نیافت /	۱ بشر، ماورای جلال نیافت /
۲ صفایی به تدریج، حاصل کنی /	۱ تامل در آینه دل کنی /
۳ توان رفت جز بر پی مصطفی /	۱۰ خال است سعدی که راه صفا

بوستان، سعدی

بوستان سعدی یا سعدی نامه نخستین اثر سعدی است که کار سرودن آن در **سال ۶۵۵ هجری قمری** پایان یافته است. سعدی این اثر را زمانی که در سفر بوده است، سروده و هنگام بازگشت به شیراز آن را به دوستانش عرضه کرده است. این اثر در قالب مثنوی و در بزم متقارب سروده شده و از نظر **قالب و وزن شعری حماسی** است، هر چند که از نظر ممتوا **به اخلاق و تربیت و سیاست و اجتماعات** پرداخته است. بوستان **ده باب** دارد هر باب به موضوعی ربط دارد. این کتاب به انتساب نشریه گاردین جزو ۱۰۰ کتاب برتر تاریخ بشریت برگزیده شده این کتاب را سعدی به نام اتابک ابوبکر بن سعد زنگی کرده است.

بوستان سعدی به ده باب تقسیم شده است: ۱- عدل ۲- احسان ۳- عشق ۴- تواضع ۵- رضا ۶- قناعت ۷- تربیت ۸- شکر ۹- توبه ۱۰- مناجات



به نام خداوند جان آفرین || حکیم سخن در زبان آفرین

معنی بیت اول: به نام خدایی که به ما حیات و زندگی بخشید و به انسان‌ها قدرت سخن گفتن را داد

معنی واژه: جان آفرین: زنده کننده روح / حکیم: دانا، دانشمند /

نکات و آرایه‌های ادبی: تلمیح: اشاره به سوره الرحمن (انسان را آفرید و به او قدرت تکلم داد) / حذف دو فعل (آغاز می‌کنم) در مصراع اول و (است یا می‌باشد) در مصراع دوم / جان و زبان (قافیه) / آفرین (ردیف)

خداوند بخشنده دستگیر || کریم خطابخش پوزش پذیر

معنی بیت دوم: خدایی که همیشه یار و کمک کننده به ماست و یاری رسان است و بخشنده و توبه پذیر است.

معنی واژه: کریم: بخشنده / دستگیر: یاری دهنده / خطابخش: پوزش پذیر (مترادف هستند)

نکات و آرایه‌های ادبی: کنایه: دستگیر کنایه از یاری دهنده است. / واج آرایی: واج آرایی - و ش / دستگیر و پوزش پذیر (قافیه)

پرستار امرش همه چیز و کس || بنی آدم و مرغ و مور و مگس

معنی بیت سوم: او خدایی است که تمام موجودات عالم تحت فرمان او هستند؛ از انسان‌ها گرفته تا پرندگان و تمام حشرات و مورچه‌ها و مگس‌ها

معنی واژه: پرستار: مطیع، فرمانبردار / بنی آدم: فرزندان حضرت آدم (در اینجا انسان‌ها) / مور: مورچه /

نکات و آرایه‌های ادبی: مراعات نظیر: بین مرغ مور مگس مراعات نظیر یا تناسب وجود دارد. / مجاز جز به کل: بنی آدم و مرغ و مور و مگس: مجاز جز به کل (از همه موجودات) / کس و مگس (قافیه)

یکی را بر سر، برنهد تاج بخت || یکی را بر خاک اندر آرد ز تخت

معنی بیت چهارم: او خداوندی است که با اراده و حکمت خود یکی را خوش بختی می‌رساند و دیگری را از خوشبختی کنار می‌گذارد

معنی واژه: تاج بخت: تاج خوشبختی / برنهد: می‌گذارد / اندر آرد: به زیر می‌کشد /

نکات و آرایه‌های ادبی: کنایه: تاج بر سر نهادن کنایه از به بزرگی رساندن / از تخت به خاک آوردن کنایه از پست کردن / تخت و بخت (قافیه)

جناس ناقص: بین "بخت و تخت" و "سر و بر" / اضافه تشبیهی: تاج بخت (خوشبختی به تاج تشبیه شده: بخت مشبه و تاج مشبه به است)

تلمیح: اشاره به سوره آل عمران آیه ۲۲ (حکومت و فرمانروایی را به هر کس بخواهد می‌دهد و از هر کس بخواهد می‌گیرد)

گلستان کند آتشی بر خلیل || کروحی بر آتش برد ز آب نیل

معنی بیت پنجم: او قادر است تا آتش را برای حضرت ابراهیم (ع) تبدیل به گلستان کند و کسانی را هم در زیر آب نیل فرو برد

معنی واژه: خلیل: دوست، در این درس منظور حضرت ابراهیم (ع) است. / گلستان شدن: سرد شدن

نکات و آرایه‌های ادبی: تلمیح: مصراع اول اشاره به داستان عبور حضرت ابراهیم از آتش و مصراع دوم غرق شدن فرعونیان و داستان حضرت موسی

/ تضاد: تضاد بین آب و آتش / ز: مخفف از / خلیل و نیل (قافیه)

به درگاه لطف و بزرگیش بر // بزرگان نهاده بزرگی ز سر

معنی بیت ششم: به خاطر لطف و بزرگی ای که او (الله) داردهمه ی انسان های بزرگ بزرگی و توان خود را از دست میدهند
معنی واژه: درگاه: آستان، پیشگاه / لطف: مهربانی / بر: بزرگ (فعل امر)

نکات و آرایه های ادبی: کنایه: از سر نهادن کنایه از فراموش کردن / تکرار: تکرار واژه بزرگ / جناس ناقص اختلافی: جناس ناقص اختلافی
بین سر و بر / بر و سر (قافیه)

جهان، منتیق بر الهیتش // فرومانده از کنه ماحیش

معنی بیت هفتم: همه ی افراد جهان بر بکتایی خداوند اتفاق نظر دارند و اگر همه ی فکرهای جهانیان روی هم جمع شود و دربارہ ی خداوند اندیشه کنند نه تنها پاسخی نخواهند داشت، بلکه هرگز به عمق ماهیت و هستی خداوند نمی توانند راه پیدا کنند و همگان در شناخت واقعی خداوند در مانده اند
معنی واژه: فروماندن: عاجز شدن، ناتوان شدن / کنه: ریشه، عمر / متفق: همراه بودن، اتفاق نظر داشتن / ماهیت: وجود، واقعیت
نکات و آرایه های ادبی: کنایه: فرومانده کنایه از ناتوانی /

الهیتش و ماهیتش (قافیه) می توان (الهیّت و ماهیت را قافیه و ضمیر پیوسته ش را ردیف در نظر گرفت)

بشر، ماورای جلالت نیافت // بصر، منتهای جلال نیافت

معنی بیت هشتم: انسان که اشرف مخلوقات است با همه ی تحقیق ها و بررسی های دنیایی، هنوز نتوانسته است کسی را با شکوه تر از خدا پیدا کند و چشم ها هر قدر هم که زیبایی در طبیعت ببیند، باز هم به نهایت زیبایی خداوند نمی تواند دست پیدا کنند.

معنی واژه: بشر: انسان / ماورا: بالاترین مقام / جلال: بزرگی / بصر: چشم / منتهای: آخرین / جمال زیبایی

نکات و آرایه های ادبی: قافیه: جمالش=جمال او، جلالتش=جلال او / ردیف: نیافت / در دو کلمه «بصر» و «بشر» و نیز «جمال» و «جلال» جناس ناقص اختلافی / در این بیت آرایه موازنه (ترصیع) وجود دارد: همه کلمات در مصرع اول را می توان مقابل کلمات در مصرع دوم قرار داد
مثال: بشر = بصر / ماورا = منتهای / جلالتش = جمالش / نیافت = نیافت

تأمل در آینه دل کنی // صفایی به تدریج، حاصل کنی

معنی بیت نهم: برای شناخت واقعی خداوند باید در خودت بیندیشی و به دلت که همچو آینه ای پاک و روشن است رجوع کنی. آن وقت به تدریج و آهسته صفایی در وجودت احساس می کنی. گروه آموزشی عصر

معنی واژه: تأمل: تفکر / صفا: پاک کردن / به تدریج: کم کم / حاصل کنی: به دست می آوری

نکات و آرایه های ادبی: اضافه ی تشبیهی: آینه دل (دل به آینه تشبیه شده / دل مشبه و آینه مشبه به) / دل و حاصل (قافیه) کنی (ردیف)

مخال است سعدی که راه صفا // توان رفت جز بر پی مصطفی

معنی بیت دهم: ای سعدی اگر میخواهی که درست به راه سعادت برسی، به جز راه و شیوه ی مصطفی (حضرت محمد ص) راه دیگری نرو و دنباله رو شیوه ی حضرت رسول اکرم (ص) باش.

معنی واژه: محال: غیر ممکن / پی: دنباله رو / مصطفی: برگزیده (اینجا لقب حضرت محمد ص) هست

نکات و آرایه های ادبی: قافیه: صفا، مصطفی / ردیف: ندارد / سعدی: تخلص شیخ مصلح الدین شیرازی است. / صفا و مصطفی هم خانواده هستند

به نام خدایی که جان آفرید

درسنامه درس اول ادبیات هشتم



بیت آغاز فصل: با پرورش معنوی دل خود، بصیرت و آگاهی کسب کن تا بتوانی حقایق را که با چشم ظاهری و مادی نمی توانی ببینی، از راه دل، درک کنی.

#آرایه ها:

بیت آغاز فصل: چشم دل: اضافه‌ی استعاری / آنچه نادیدنی‌ست، آن بینی: تناقض (پارادوکس)
بیت دوم: مثل قصر: تشبیه / بیت چهارم: ماه (مانند) برق کوچکی از تاج او است: تشبیه اسنادی - هر ستاره (مانند) پولکی از تاج او است: تشبیه اسنادی / بیت ششم: «راه» و «راه»: جناس ناقص افزایشی / راه نیافتن به حضور کسی: کنایه از پذیرفته نشدن / بیت هفتم: آسمان و زمین: تضاد / بیت دهم: واج آرای «ز» / بیت دوازدهم: ترس، وحشت و خشم: تناسب / دل‌گیر: کنایه از ناراحت و غمگین بودن / دست در دست پدر: کنایه از همراهی، با هم بودن / بیت هفدهم: یک لحظه: مجاز از مدت کم / بیت هیجدهم: دست و رویی تازه کرد: کنایه از شادابی شستن صورت / بیت بیستم: فرش، گلیم و بوریا: تناسب (مراعات نظیر) / بیت بیست و یکم: مثل نوری در دل آینه: تشبیه / آینه: کنایه از میان، بین / آینه: در اینجا نماد «وجود انسان» است / بیت بیست و دوم تلمیح دارد به آیه‌ی ۳۵ سوره نور: «الله نور السماوات و الارض» (خدا نوری در آسمان‌ها و زمین است) / تکرار «ش» در بیت ۲۲: واج آرای / بیت بیست و سوم: تکرار «خدا» / بیت بیست و چهارم تلمیح دارد به آیه‌ی ۱۶ سوره قاف: «و نحن اقرب الیه من حبل الوريد» (و ما به انسان از رگ گردن نزدیک‌تریم)

پیش از اینها - صفحه ۱۲

#معنای لغات:

قصر: کاخ / خشت: نوعی مصالح ساختمانی، آجر خام / برج: ساختمان‌های بلند، قصر / عاج: دو دندان پیش و بالایی فیل که بسیار گرانبهاست / بلور: نوعی شیشه / غرور: تکبر / طنین: صدا، آوا / نعره: فریاد / توفنده: پر خروش، خروشان، غوغا کننده / بی‌رحم: نامهربان / نیت: قصد، آهنگ، عزم / تصویر: عکس (در اینجا به معنی تصور) / خلوت: دور از دیگران، تنهایی / ریا: دورویی، نفاق / بوریا: حصیری که از نی می‌سازند. / کینه: دشمنی

مای درس

#نکات دستوری:

بیت سوم و چهارم: حذف فعل «است» به قرینه‌ی معنوی / «را» در مصراع دوم بیت ششم: به معنی «برای»، حرف اضافه است. / مصراع اول بیت هشتم: «بود» و «نبود» به معنی «وجود داشتن» و «غیر اسنادی است» / در مصراع دوم «نبود» ← فعل اسنادی / بیت دهم: حذف فعل «می‌پرسیدم» به قرینه‌ی لفظی / بیت دوازدهم: حذف فعل «بود» به قرینه‌ی لفظی / بیت نوزدهم: گفتمش = به او گفتم ← ش: متمم / مصراع دوم بیت بیست و دوم: از دو جمله تشکیل شده است، نام او نور [است] و نشانش روشنی [است]: حذف فعل به قرینه‌ی معنوی / بیت بیست و چهارم: [خدا] دوستی از من به من نزدیک‌تر [است]، [خدا] از رگ گردن به من نزدیک‌تر [است]: حذف نهاد و فعل به قرینه‌ی معنوی

قالب شعر: مثنوی

#خودآزمایی:

۱- منظور مسجد است.

۲- نور از نام‌های خداست و به وسیله‌ی همان، سبب هدایت بندگان می‌شود.

۳- سفر در زمین و توجه به نشانه‌های آفرینش

پیش از اینها

پیش از اینها، فکر می‌کردم خدا خانه‌ای دارد میان ابرها

قبل از این فکر می‌کردم خانه خدا در میان ابرهاست.

مثل قصر پادشاه قصه‌ها خشتی از الماس و خشتی از طلا

خانه خدا مانند کاخ پادشاهان قصه‌هاست، خانه‌ای بزرگ که خشت‌هایش از الماس و طلا ساخته شده است.

پایه‌های برجش از عاج و بلور بر سر تختی نشسته با غرور

ستون و پایه‌های کاخش از عاج فیل و شیشه ساخته شده است و خدا با غرور بر روی تختی نشسته است.

ماه، برق کوچکی از تاج او هر ستاره، پولکی از تاج او

ماه نور کوچکی از تاج خدا است و ستارگان پولک‌های درخشان تاج او هستند.

رعد و برق شب، طنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

رعد و برق، انعکاس خنده خداست و سیل و طوفان، فریاد خدا است.

هیچ کس از جای او آگاه نیست هیچ کس را در حضورش راه نیست

هیچ کس از جا و مکان خدا آگاهی ندارد و کسی را به حضور خدا راه نمی‌دهند.

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خانه‌اش در آسمان، دور از زمین

خدایی که من در ذهنم داشتم بی‌رحم و عصبانی بود، او خانه‌ای در آسمان‌ها داشت و با زمین ارتباطی نداشت.

بود، اما در میان ما نبود مهربان و ساده و زیبا نبود

خدا وجود داشت اما در بین ما، او مهربان و ساده و زیبا نبود.

در دل او، دوستی جایی نداشت مهربانی هیچ معنایی نداشت

خدا با هیچکس دوست نبود و دوست بودن با او مفهومی نداشت، مهربانی برای خدا هیچ، معنا و مفهومی نداشت.

هر چه می‌پرسیدم از خود از خدا از زمین از آسمان از ابرها

وقتی درباره خدا، خودم، زمین و آسمان و ابرها می‌پرسیدم....

زود می‌گفتند: «این، کار خداست پرس‌وجو از کار او کاری خطاست»

سریع می‌گفتند که این کارها کار خداست پرس‌وجو از کار خدا کاری اشتباه است.

نیت من در نماز و در دعا ترس بود و وحشت از خشم خدا

قصد من از دعا و نماز ترس از خدا و ترس و وحشتم از خشم خدا بود.

پیش از اینها، خاطرمد دلگیر بود از خدا در ذهنم این تصویر بود

پیش از این فکر و خیالم گرفته بود و از خدا تصویری خشمگین و خشن داشتم.

تا که یک شب، دست در دست پدر راه افتادم به قصد یک سفر

تا این که یک شب، در حالی که دست پدرم را گرفته بودم به سفر رفتیم.

در میان راه، در یک روستا خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا

بین راه به یک روستا رسیدیم و در آنجا خانه‌ای زیبا و آشنا دیدیم.

زود پرسیدم: «پدر، اینجا کجاست؟» گفت: «اینجا خانه خوب خداست»
بلافاصله از پدرم پرسیدم که پدر اینجا کجا است؟ پدرم گفت: اینجا خانه‌ی زیبای خداست.

گفت: «اینجا می‌شود یک لحظه ماند گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند
پدر گفت: اینجا می‌توان لحظه‌ای توقف کرد و در گوشه‌ای نماز خواند.

با وضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت و گویی تازه کرد»
با آب وضو گرفت و دست و صورتی شست و از ته دل با خدا حرف زد.

گفتمش: «پس آن خدای خشمگین خانه‌اش اینجا است؟ اینجا در زمین؟»
ه پدرم گفت: پس آن خدای عصبانی و ناراحت خانه‌اش در زمین است؟!!

گفت: «آری خانه او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست
پدر گفت: بله خانه خدا ساده و بی‌ریاست. فرشش هم از گلیم و حصیر است.

مهربان و ساده و بی‌کینه است مثل نوری در دل آینه است
این خدا مهربان و ساده و بدون کینه است. مانند نوری روشن درون آینه است.

عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی»
خدا عادت ندارد عصبانی شود و دشمنی بورزد خدا نور است و نشانه‌اش پاکی و روشنایی است.

تازه فهمیدم: خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست
تازه متوجه شدم که خدای من همان خدای مهربان و روشنایی بخش است، خدای مهربان و آشنا.

دوستی از من به من نزدیکتر از رگ گردن به من نزدیکتر

دوستی از خود من به من نزدیکتر است، حتی از رگ گردن نیز نزدیکتر.

می‌توانم بعد از این، با این خدا دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا

من می‌توانم بعد از این، با این خدا، خدای مهربان دوست باشم، دوست پاک و بی‌ریا.

به قول پرستو، قیصر امین پور

www.my-dars.ir خود ارزیابی (صفحه ۱۴ کتاب درسی)

۱- شاعر در مصراع «اینجا خانه خوب خداست» به چه نکته‌ای اشاره دارد؟ به مسجد اشاره دارد

۲- ذک و دریافت خود را از مصراع «نام او نور و نشانش روشنی» بیان کنید. خدا همچنان که در قرآن آمده است «اللَّهُ نُورُ سَمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» نور است، راهنما و روشنی بخش زندگی بندگان است.

۳- چه راه‌هایی برای شناخت خداوند هستی وجود دارد؟ همه آفریده‌های خدا مانند طبیعت و... نشانه‌ای برای شناخت خداوند است. به گفته سعدی: برگ درختان سبز در نظر هوشیار / هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

دانش ادبی

در سال پیش با مفهوم زبان و ادبیات و تفاوت آن دو آشنا شدیم. می‌دانیم که ساختمان زبان از عناصری تشکیل می‌شود. واژه‌ها و جمله‌های زبان، مانند ظرف‌هایی هستند که فکر ما را در خود جای می‌دهند. ما باید هنگام خواندن هر اثر و شنیدن گفتار هر شخص، با درنگ و تأمل، نحوه گزینش واژه‌ها و زمینه فکری آن را جست‌وجو کنیم؛ پس برای درک بهتر هر اثر باید به «ساختار» و «محتوا» ی آن توجه کرد.

برای بررسی ساختار (شکل بیرونی) هر اثر، می‌توانیم از این پرسش‌ها بهره بگیریم.

* متن اثر، به «نثر» است یا به «نظم»؟

* شیوه بیان نوشته، «زبانی» است یا «ادبی»؟

* واژه‌های متن، ساده و قابل فهم هستند یا دشوار و دیرپاب؟

اکنون با توجه به این پرسش‌ها، شعر «ستایش» و «درس اول» را از نظر ساختار با هم مقایسه کنید.

گفت‌وگو (صفحه ۱۵ کتاب درسی)

۱- درباره زمینه فکری شعر «ستایش» گروه‌ها گفت‌وگو کنید. زمینه فکری شعر سعدی ستایش خداست و در آن صفات و عظمت خدا و همچنین معجزه بعضی از پیامبران ذکر شده است. این ابیات برگرفته از آیات قرآن است و زمینه فکری آن، همان فکر قرآنی است.

۲- درباره ارتباط مفهوم آیه زیر با متن درس پس از تأمل و تفکر، گفت‌وگو کنید.

«ما از رگ گردن به شما نزدیک‌تریم» (سوره «ق»، آیه ۱۶) خدا از همه چیز و همه کس به ما نزدیک‌تر است. در همه جا حضور دارد و همیشه با ماست.

فعالیت‌های نوشتاری (صفحه ۱۵ کتاب درسی)

۱- از متن «ستایش» و «درس اول» واژه‌هایی بیابید که در آنها یکی از حروف «ذ، ز، ض، ظ» به کار رفته باشد. نماز، لحظه، ذهن، وضو

۲- جدول زیر را کامل کنید.

فعل	بن مضارع	مصدر	زمان
رفت	رو	رفتن	گذشته (ماضی)
دارد	دار	داشتن	حال (مضارع)

۳- ردیف و قافیه را در بیت هشتم و هجدهم شعر «پیش از اینها» مشخص کنید.

بیت ۸: ردیف: نبود، نبود / قافیه: ما و زیبا

بیت ۱۸: ردیف: تازه کرد، تازه کرد / قافیه: دست و رویی، گفت‌وگویی

۴- سعدی در بیت زیر، به کدام داستان‌های دینی اشاره دارد؟

گلستان کند آتشی بر خلیل / گروهی بر آتش برد ز آب نیل

به داستان در آتش افکندن حضرت ابراهیم (ع) توسط نمرد و غرق شدن فرعون در آب نیل به خواست خدا اشاره می‌کند.

در زبان فارسی، بعضی حروف، مانند «ذ، ز، ض، ظ» تلفظ یکسان دارند اما شکل نوشتاری آنها متفاوت است؛ با دقت در معنا، به املاي این گونه کلمات توجه کنید.

حکایت | به خدا چه بگویم؟

روزی غلامی گوسفندان اربابش را به صحرا برد. گوسفندان در دشت سرگرم چرا بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن انبوه گوسفندان، به سراغ آن غلام (چوپان) رفت و گفت: «از این همه گوسفندان، یکی را به من بده.»
چوپان گفت: «نه، نمی توانم این کار را بکنم؛ هرگز!»
مسافر گفت: «یکی را به من بفروش.»
چوپان گفت: «گوسفندان از آن من نیست.»
مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ ببرد.»
غلام گفت: «به خدای چه بگویم؟!»



مای درس

دانشنامه عمومی

رساله قشیریه

رساله قشیریه یا الرسالة القشیریه مجموعه نامه ها و پیام هایی است به زبان عربی که زین الاسلام ابوالقاسم عبد الکریم بن هوازن قشیری آنرا به صوفیان و شاگردان خود می فرستاده. شروع تهیه آن در سال ۴۳۷ هجری و پایان آن به سال ۴۳۸ بوده و علت نوشتن و ارسال آنها را ظهور فساد در طریقت و انحراف صوفی-نمایان ذکر نموده است.

کتاب شامل دو فصل و پنجاه و چهار باب است. فصل اول به بیان عقاید صوفیان و فصل دوم خلاصه ای از فصل اول است. پس از این دو فصل، بابی در شرح احوال مشایخ صوفیه و باب دیگر شرح اصطلاحات و تعبیرات آنان است. ابواب دیگر ذکر حالات و مقامات و آداب و اخلاق مشایخ را بیان می کند.

علاوه بر اینکه خواندن رساله در میان صوفیان رواج داشته، مطالب و ابواب آن در معاصران قشیری و متاخران وی تأثیر عمیق داشته است. علی بن عثمان مری از هم عصران وی در نوشتن کشف المحجوب از مطالب رساله سود برده است. همچنین رد پای مطالب رساله در تذکرة الولیاء شیخ عطار و آثار مولانا جلال الدین مشهود است.